

اولین شغلم یعنی فروشندگی لباس.

فکر کنم جدا از بحث استقلال مالی من واقعا به این تغییر تو زندگی‌م نیاز داشتم چون تا قبلش یه پسر بسیار بی‌زبون و بدون تجربه‌ای از آداب و معاشرت و رفتار اجتماعی بودم، هشت ماه بعد ماشین رو خریدم بعد از اون هرچی که پول درآوردم رو خرج سفر کردم چون بعد از این شغل وارد آژانس هواپیمایی شدم و دیگه تو متن قضیه بودم.

تا قبل کرونا همه چیز داشت خیلی عالی جلو می‌رفت ولی از اسفند ۹۸ اوضاع جور دیگه‌ای شد و این شغل دیگه هیچوقت جون نگرفت تا اینکه یه روزی حین صحبت با رفیق اول دبستانم یعنی فراز به این نتیجه رسیدم که باید مسیر رو عوض کنم و ۱۴ آبان ۱۴۰۱ وارد دوبار سنایی شدم. بسیار از حضور تو این فضا خوشحال بودم به قدری که آینده‌ی شغلیم رو در این مسیر می‌دیدم و الانم دوست دارم که یه روزی کافه‌ی خودم رو داشته باشم.

اینم بگم که عاشق بازی‌ها کامپیوتری هستم و حریف هم می‌طلبم.